صفات انسان در قرآن

**«انسان‌شناسی در قرآن»**

**به قلم:**

**محمد خبیر مرادی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | صفات انسان در قرآن «انسان‌شناسی در قرآن» |
| **به قلم:** | محمد خبیر مرادی |
| **موضوع:** | قرآن – علوم قرآنی و تحقیقات و مطالب قرآنی – مباحث قرآنی |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc440189966)

[وجه تسمیه و نام‌گذاری صفات انسان در قرآن یا انسان‌شناسی در قرآن 1](#_Toc440189967)

[مقدمه 3](#_Toc440189968)

[بخش اول: صفات عالیه و کامله «انسان با داشتن این صفات کامل می‌گردد» 5](#_Toc440189969)

[1- صفات متقین [ترسندگان ـ پرهیزگاران] 7](#_Toc440189970)

[اگر می‌خواهید که جزء متقین باشید 7](#_Toc440189971)

[تنبیه 8](#_Toc440189972)

[پرهیزگاران چه کسانی هستند 9](#_Toc440189973)

[حال عمومی متقیان «پرهیزگاران خداترس» 10](#_Toc440189974)

[شأن کسانی که از خدا می‌ترسند 11](#_Toc440189975)

[متقیان 11](#_Toc440189976)

[متقی 12](#_Toc440189977)

[2- صفات خاشعین [فروتنان] 12](#_Toc440189978)

[فروتنان 12](#_Toc440189979)

[3- صفات صابرین 12](#_Toc440189980)

[صابران 13](#_Toc440189981)

[4- صفات کسانی که بر آنها ترس و حزن نیست 13](#_Toc440189982)

[5- صفات انفاق‌کنندگان 14](#_Toc440189983)

[انفاق‌کنندگان کسانی هستند که: 16](#_Toc440189984)

[6- صفات گروه مفلحون «رستگاران» 16](#_Toc440189985)

[رستگاران کسانی هستند که: 16](#_Toc440189986)

[7- صفات گروه صالحین 20](#_Toc440189987)

[صالحین چه کسانی هستند؟ 20](#_Toc440189988)

[8- صفات گروه محسنین 21](#_Toc440189989)

[نیکوکاران چه کسانی هستند؟ 21](#_Toc440189990)

[مفلحون 22](#_Toc440189991)

[محسنین 23](#_Toc440189992)

[9- صفات مؤمنین 23](#_Toc440189993)

[مؤمنان 23](#_Toc440189994)

[صفات مؤمنون سوره انفال 24](#_Toc440189995)

[مؤمنان 24](#_Toc440189996)

[صفات مؤمنون سوره مؤمنون 25](#_Toc440189997)

[مؤمنان 25](#_Toc440189998)

[صفات مؤمنون سوره نور 26](#_Toc440189999)

[مؤمنان 27](#_Toc440190000)

[صفات مؤمنان سوره نمل 27](#_Toc440190001)

[مؤمنان 27](#_Toc440190002)

[صفات مؤمنون سوره حجرات 28](#_Toc440190003)

[مؤمنان صادق 28](#_Toc440190004)

[10- صفات خداوندان عقل 28](#_Toc440190005)

[خردمندان 29](#_Toc440190006)

[صفات صاحبان عقل 29](#_Toc440190007)

[خردمندان 30](#_Toc440190008)

[11- صفات صاحبان نعمت داده شده 31](#_Toc440190009)

[12- صفات مصلحین 32](#_Toc440190010)

[13- صفات گروه فائزین 32](#_Toc440190011)

[صفات گروه فائزون 33](#_Toc440190012)

[فائز «درستکار» 33](#_Toc440190013)

[14- صفات اولیاء الله «دوستان خدا» 33](#_Toc440190014)

[دوستان خداوند 34](#_Toc440190015)

[15- صفات مُخبتین «فروتنان» 34](#_Toc440190016)

[فروتنان 35](#_Toc440190017)

[16- صفات یسارعون فی الخیرات سورة مؤمنون «شتابندگان در نیکی» 35](#_Toc440190018)

[17- صفات عباد الرحمن «بندگان خداوند بخشنده» 36](#_Toc440190019)

[بندگان مخلص خداوند بخشنده 37](#_Toc440190020)

[18- صفات گروه راشدون «راه یابندگان» 39](#_Toc440190021)

[راه‌ یابندگان 39](#_Toc440190022)

[19- صفات گروه صدیقون «ایمان‌داران راستین» 39](#_Toc440190023)

[صدیقون 39](#_Toc440190024)

[20- صفات کسانی که خداوند ایمان را در دل آنها نوشته است همچون «حزب الله لشکر خدا» و مفلحون «رستگاران» 40](#_Toc440190025)

[21- صفات گروه مصلّین «نمازگزاران» 40](#_Toc440190026)

[22- صفات عباد الله «بندگان خدا» 42](#_Toc440190027)

[بندگان مخلص خداوند 42](#_Toc440190028)

[23- صفات اصحاب المیمنه «یاران حظّ بسیار و نیکبخت» 43](#_Toc440190029)

[اصحاب دست راست، حظّ بسیار و نیکبختان 43](#_Toc440190030)

[24- صفات بهترین خلق 44](#_Toc440190031)

[25- صفات انسان‌هایی که زیانکار نیستند 44](#_Toc440190032)

[انسان‌هایی که زیانکار نیستند 45](#_Toc440190033)

[بخش دوم: صفات رذیله و ناقصه «انسان با داشتن این صفات پست خواهد شد» 47](#_Toc440190034)

[26- صفات منافق 49](#_Toc440190035)

[منافق 50](#_Toc440190036)

[صفات منافقان سوره نساء 51](#_Toc440190037)

[27- صفات فاسقان 52](#_Toc440190038)

[فاسقان 52](#_Toc440190039)

[صفات فاسقان 53](#_Toc440190040)

[فاسقان 53](#_Toc440190041)

[صفات فاسقون 53](#_Toc440190042)

[فاسقان 53](#_Toc440190043)

[صفات فاسقون 54](#_Toc440190044)

[فاسقان 54](#_Toc440190045)

[صفات فاسقون 54](#_Toc440190046)

[فاسقان 54](#_Toc440190047)

[صفات فاسقین 55](#_Toc440190048)

[فاسقان 55](#_Toc440190049)

[28- صفات اصحاب آتش 55](#_Toc440190050)

[صفات اصحاب آتش 56](#_Toc440190051)

[صفات رفیقان آتش 56](#_Toc440190052)

[صفات اصحاب آتش 57](#_Toc440190053)

[صفات اصحاب آتش 57](#_Toc440190054)

[اصحاب آتش 57](#_Toc440190055)

[29- صفات ظالمین «ستمکاران» 58](#_Toc440190056)

[ظالمان «ستمگران» 58](#_Toc440190057)

[صفات ظالمون «ستمکاران» 58](#_Toc440190058)

[ظالمون «ستمکاران» 58](#_Toc440190059)

[صفات ظالمین «ستمکاران» 59](#_Toc440190060)

[صفات ظالمون «ستمکاران» 59](#_Toc440190061)

[صفات ظالمین «ستمکاران» 60](#_Toc440190062)

[صفات ظالمون «ستمکاران» 60](#_Toc440190063)

[تنبیه 61](#_Toc440190064)

[صفات گروه ظلمون «ستمکاران» 61](#_Toc440190065)

[30- صفات گروه گمراهان 62](#_Toc440190066)

[گمراهان 62](#_Toc440190067)

[31- صفات گروه کافران 63](#_Toc440190068)

[کافران 63](#_Toc440190069)

[صفات کافران 63](#_Toc440190070)

[کافران 63](#_Toc440190071)

[32- صفات غافلون 64](#_Toc440190072)

[غافلون 64](#_Toc440190073)

[33- صفات کسانی که لعنت کرده شده‌اند 65](#_Toc440190074)

[لعنت‌شدگان 65](#_Toc440190075)

[34- صفات زیانمندترین مردم 66](#_Toc440190076)

[زیانمندترین مردم 66](#_Toc440190077)

[35- صفات مسرفین «اسراف‌کنندگان ـ از حد گذرندگان» 67](#_Toc440190078)

[مسرفین 67](#_Toc440190079)

[36- صفات نزدیکان شیطان 68](#_Toc440190080)

[خاسرون 68](#_Toc440190081)

[37- صفات «زیانکاران» 68](#_Toc440190082)

[خاسرون 69](#_Toc440190083)

[صفات خاسرون 69](#_Toc440190084)

[خاسرون 69](#_Toc440190085)

[صفات خاسرون 69](#_Toc440190086)

[خاسرون 70](#_Toc440190087)

[صفات خاسرون 70](#_Toc440190088)

[خاسرون 70](#_Toc440190089)

[صفات خاسرون 71](#_Toc440190090)

[خاسرون 71](#_Toc440190091)

[38- صفات مشرکان 72](#_Toc440190092)

[39- صفات خراصون «حدس‌زدگان ـ کسانی که از روی یقین سخن نمی‌گویند به جز حدس و گمان» 72](#_Toc440190093)

[خراصون 73](#_Toc440190094)

[40- صفات مکذبین 73](#_Toc440190095)

[مکذبین 73](#_Toc440190096)

[صفات مکذبین 73](#_Toc440190097)

[مکذبین 74](#_Toc440190098)

[41- صفات مختال فخور «متکبر فخرکننده» 74](#_Toc440190099)

[مختال فخور 74](#_Toc440190100)

[42- صفات اذلین «ذلیل‌ترین مردم» 74](#_Toc440190101)

[ذلیل‌ترین مردمان 75](#_Toc440190102)

[43- صفات مطففین 75](#_Toc440190103)

[کم‌کنندگان 75](#_Toc440190104)

[44- صفات بدترین خلق 75](#_Toc440190105)

[بدترین خلق 76](#_Toc440190106)

[45- صفات نمازگزاران ریاکار (ویل اللمصلین) 76](#_Toc440190107)

[نمازگزاران ریاکار 76](#_Toc440190108)

[خلاصه‌ی کلام 79](#_Toc440190109)

[و آخر دعوانا: 79](#_Toc440190110)

[فهرست منابع 81](#_Toc440190111)

وجه تسمیه و نام‌گذاری صفات انسان در قرآن یا انسان‌شناسی در قرآن

با توجه به این که کتاب حاضر برگرفته از صفات متعدد است که قرآن انسان‌ها را با آن مورد خطاب قرار می‌دهد و به زبان صراحت بیان می‌دارد که اینها صفات مثبت هستند پس اگر می‌خواهی که جزء این گروه برگزیدگان قرار گیری لازم است که این صفات را در خود پرورش داده و از حالت بالقوه به بالفعل درآوری تا در زمره صالحین قرار گیری و یا اینکه اینها صفات منفی هستد خود را از آن برحذر داری و مرتکب این اعمال نگردی که پست و خوار می‌شوی. پس تصمیم گرفتم آن را صفات انسان در قرآن بنامم و همچنین آقای یحیی پرتوی مسئول انتشارات پرتو بیان انسان‌شناسی در قرآن را برای آن مناسب دیدند و اینجانب با توجه به صفات ذکر شده در قرآن و پیشنهاد آقای پرتوی آن را صفات انسان در قرآن و یا انسان‌شناسی در قرآن نام‌گذاری نمودم باشد که قبول خداوند متعال و شما ملت مسلمان قرار گیرد.

مقدمه

انسان‌ها همواره سعی دارند که الگویی برای هدایت و راهیابی داشته باشند و بدین طریق راه‌های کمال و سعادت را بپیمایند.

بدین جهت بر آن شدم که بهترین الگو، ارزیاب‌کننده‌‌ی تطبیق‌دهنده را از قرآن کریم که وحی الهی برای هدایت بشر است برگیرم و صفات مثبت و منفی که انسان‌ها می‌توانند آن را کسب و یا طرد کنند تفکیک و استخراج نمایم که چراغی باشد برای راهیابی درست‌تر. لذا با توکل بر خداوند متعال جهت رضای الهی به شناخت صفات و ویژگی‌های انسان، برای انسان به این فعالیت پژوهشی پرداختم باشد که مورد لطف و قبول الهی قرار گرفته و پله‌ای باشد برای انسان‌ها که خود را با آن محاسبه و ارزیابی کنند و پله‌های کمال را جهت رسیدن به قرب الهی یکی بعد از دیگری بپیمایند.

آمین

مؤلف: دوشنبه 25 / خرداد / 1383

بخش اول:
 صفات عالیه و کامله «انسان با داشتن این صفات کامل می‌گردد»

1- صفات متقین [ترسندگان ـ پرهیزگاران]

﴿ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾ [البقرة: 3-5].

«آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را برپا می‌دارند، و از آنچه روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند؛ و آنان که بدانچه به سوی تو فرودآمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند؛ و به آخرت یقین دارند. آنهایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند».

اگر می‌خواهید که جزء متقین باشید

1. به غیب و نادیده ایمان داشته باشید «ایمان به خداوند ـ فرشتگان ـ قیامت ـ بهشت و دوزخ».
2. نماز را درست و به موقع بخوانید «بدون ریا و سستی».
3. و از آنچه که خداوند به شما اعطا کرده است خرج کنید، انفاق کنید، زکات دهید «زکات سلامتی جسم (روزه) زکات مال و فراموش نکردن مستمندان».
4. و ایمان داشته باشید به محمد ج و قرآن و پیامبران و کتاب‌های آسمانی قبل از آن «نوح، ابراهیم، موسی، عیسی÷ و... زبور، صحف، تورات و انجیل» پس شما از طرف خداوند هدایت شده‌اید و به حقیقت شما رستگار هستید.

﴿۞لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ١٧٧﴾ [البقرة: 177].

«نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارانند؛ و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنان کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند».

تنبیه

انسان‌ها می‌گویند که اسباب هدایت و آثار مغفرت در خویش داریم ما به سوی قبله روی می‌آوریم و بر طبق حکم خدا به سوی آنان نماز می‌خوانیم نمازی که بهترین عبادت‌ها است با این همه چگونه سزاوار عذاب باشیم خداوند اندیشه ایشان را چنین تربیت می‌نماید آن خیر عظیم که مایه هدایت و مغفرت می‌باشد این نیست که تنها شما هنگام ادای نماز سوی مشرق و مغرب رو گردانید و به دیگر اعتقادات و اعمالی که لازم است اعتنایی نداشته باشید. پس باید:

1. ایمان داشته باشید به خداوند و روز قیامت و فرشتگان و کتاب‌ها و پیغمبران.
2. و از مال دنیا با وجود دوست داشتن آن خرج کنید برای: 1) خویشاوندان. 2) یتیمان. 3) محتاجان. 4) مسافران. 5) سؤال‌کنندگان. 6) و در آزاد کردن اسیران.
3. و نماز را به درستی بخوانید و زکات را بپردازید.
4. و وقتی که عهد کردید به عهد خویش وفادار باشید.
5. و صبور باشید در سختی و رنج و در هنگام جنگ «با دشمنان اسلام».

پس شما در آن صورت نیکوکار راستین هستید و شما پرهیزگارانید.

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣٤ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥﴾ [آل عمران: 134-135].

«همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرومی‌برند؛ و از مردم درمی‌گذرند؛ و خداوند نکوکاران را دوست دارد. و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند ـ و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [که گناه است]، پافشاری نمی‌کنند».

پرهیزگاران چه کسانی هستند

1. در سختی و آسایش خرج می‌کنند، انفاق می‌کنند، به جهاد بدنی و مالی مشغولند و از مصرف مال به اندازه توان خود باز نمی‌ایستند.
2. و در موقع قدرت و توانایی خشم خود را فرومی‌خورند و خطاهای مردم را می‌بخشند و خداوند این چنین نیکوکارانی را دوست دارد.
3. و اگر خواسته و یا ناخواسته عمل زشتی مرتکب شوند و یا بر نفس خود ستمی کنند؛ خداوند را یاد می‌کنند و برای بخشش گناهانشان طلب آمرزش می‌کنند و خداوند بهترین عفوکنندگان است و هیچ کس را جز مقام عظمت او لایق بخشش نیست و آمرزنده فقط حضرت اوست.
4. و بر گناهان خود اصرار نمی‌ورزند و آن را تکرار نخواهند کرد و خود می‌دانند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ ٢٠١﴾ [الأعراف: 201].

«در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه بینا شوند».

حال عمومی متقیان «پرهیزگاران خداترس»

1. از اغوای شیطان در غفلت نمی‌مانند بلافاصله خداوند را یاد کرده بیدار و هوشیار می‌شوند و به مجرد یاد خداوند پرده غفلت رفع می‌شود و سرانجام نیکی و بدی در نگاه‌شان نمایان می‌شود و از کار ناشایست دست می‌کشند.

﴿وَٱلَّذِي جَآءَ بِٱلصِّدۡقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ ٣٣﴾ [الزمر: 33].

«و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود؛ آنانند که خود پرهیزگارانند».

شأن کسانی که از خدا می‌ترسند

1. سخن راست بگویند و راستی را تصدیق کنند.

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ ١٥ ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ ١٦ كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ ١٧ وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ ١٨ وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ١٩﴾ [الذاریات: 15-19].

«پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه‌سارانند. آنچه را پروردگارشان عطا فرموده می‌گیرند، زیرا که آنها پیش از این نیکوکار بودند. و از شب اندکی را می‌غنودند. و در سحرگاهان [از خدا] طلب آمرزش می‌کردند. و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود».

متقیان

1. نیکوکارند.
2. قسمتی از شب را به عبادت مشغولند.
3. و کثرت عبادت‌ها آنها را مغرور نمی‌ساخت بلکه به تناسب بندگی‌شان بر خوف و خشیت آنها می‌افزود و در سحرگاهان برای گناهانشان طلب آمرزش می‌کردند.
4. بی‌بهره «آنکه محتاج و تنگدست است اما سؤال نمی‌کند» ایشان از مال خود علاوه بر ذکات بخشی را برای سائلین و محتاجان مقرر کرده بودند.

﴿ٱلۡأَتۡقَى ١٧ ٱلَّذِي يُؤۡتِي مَالَهُۥ يَتَزَكَّىٰ ١٨﴾ [اللیل: 17-18].

«و پاک رفتارتر[ین مردم] از آن دور داشته خواهد شد: همان که مال خود را می‌دهد [برای آنکه] پاک شود».

متقی

1. آنکه به قصد پاک ساختن نفس از اخلاق ذمیمه بخل و امساک و طمع و غیره به صرف مال خود به سؤال‌کنندگان و... می‌پردازد. نه به جهت ریا و خودنمایی و یا کدام امور دنیوی.

2- صفات خاشعین [فروتنان]

﴿ٱلۡخَٰشِعِينَ ٤٥ ٱلَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَٰقُواْ رَبِّهِمۡ وَأَنَّهُمۡ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ٤٦﴾ [البقرة: 45-46].

«همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد؛ و به سوی او بازخواهند گشت».

فروتنان

1. می‌ترسند و یقین دارند که به حضور پروردگار خود ملاقی می‌شوند و به سوی او باز می‌گردند.
2. و در روز قیامت برای حساب و کتاب با او تعالی روبرو می‌شوند.

3- صفات صابرین

﴿وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٥ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ ١٥٧﴾ [البقرة: 155-157].

«و مژده ده شکیبایان را: [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم» بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه‌یافتگان [هم] خود ایشانند».

صابران

1. صبورند در برابر مصائب.
2. در آزمایش و امتحان الهی صبر و شکر را فراموش نمی‌کنند.
3. و یقین دارند که به سوی پروردگار خویش رجوع‌کنندگانند.
4. داخل شدن در گروه صابران آسان نیست بلکه بر مصیبت صبر و شکر گردانیدن است پس بشارت بر آنان به درود و مهربانی از جانب پروردگارشان.

4- صفات کسانی که بر آنها ترس و حزن نیست

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ثُمَّ لَا يُتۡبِعُونَ مَآ أَنفَقُواْ مَنّٗا وَلَآ أَذٗى لَّهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٦٢﴾ [البقرة:262].

«کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند؛ پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است، و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌‌شوند».

1. از مال‌هایشان در راه خدا انفاق می‌کنند.
2. و چون برای رضای الهی انفاق می‌کنند منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند.
3. پس پروردگارشان به پاس انفاق خالصانه ثواب بزرگی برایشان مهیا کرده است. و آرامش خود را بر دل‌های آنها فرود می‌آورد پس ایشان در روز جزا نه می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند و سلامتی است بر آنها.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١٣﴾ [الأحقاف: 13].

«محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد».

1. با دل به وحدانیت خداوند اعتقاد دارند.
2. در آزمایشات الهی صبور و بردبار هستند و بر ایمان خویش استوار خواهند بود.
3. پس پروردگارشان سکینه خود را در دل‌هایشان فرود خواهند آورد.

5- صفات انفاق‌کنندگان

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبۡتُمۡ وَمِمَّآ أَخۡرَجۡنَا لَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِۖ وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ وَلَسۡتُم بِ‍َٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ٢٦٧﴾ [البقرة: 267].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، در حالی که [اگر به خودتان می‌دادند] جز با چشم‌پوشی و [بی‌میلی] نسبت به آن، نمی‌گرفتید، و بدانید که خداوند، بی‌نیاز است».

1. شرط قبول صدقه به حضور پروردگار آن است که از مال حلال باشد.
2. و بهترین چیزها را از خوب‌ترین اشیاء در راه خدا صرف کنید و از اشیای فرومایه و پست خیرات ندهید و اگر آن را به خود او بدهند دل وی به قبول آن مایل نیست و از شرم و بدون رضا بستاند.
3. بدانید که خداوند بی‌نیاز است و به چیزی محتاج نیست و هر که به شوق و رغبت بهترین چیزها را خیرات نماید می‌پسندد.

﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّ‍َٔاتِكُمۡۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٧١﴾ [البقرة:271].

«اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، این، کار خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است؛ و بخشی از گناهانتان را می‌زداید، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

1. اگر آشکار در راه خدا صدقات دهید پسندیده است به شرطی که نیت ریا نداشته باشید.
2. اگر صدقات خود را پنهان دارید آن برای شما بهتر است اولاً از احتمال ریا دور می‌شوید ثانیاً مایه خجالت بینوایان و سائلین می‌گردد.
3. پس خداوند به نیت و اعمال شما آگاه است و با صدقات شما بعضی از گناهان شما را می‌بخشد.

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ فَلَهُمۡ أَجۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٢٧٤﴾ [البقرة: 274].

«کسانی که اموال خود را شب و روز، نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

انفاق‌کنندگان کسانی هستند که:

1. از مال حلال در راه خدا خرج می‌کنند.
2. بهترین اموال خویش را در راه خداوند انفاق می‌کنند.
3. صدقات خود را شب و روز پنهانی و آشکارا جهت رضای الهی می‌بخشند.
4. پس پروردگارشان برایشان ثواب بزرگی در دنیا و آخرت عطا خواهد فرمود.
5. و در دنیا و آخرت برایشان ترسی نیست و ایشان اندوهگین نخواهند شد.

6- صفات گروه مفلحون «رستگاران»

﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٠٤﴾ [آل عمران: 104].

«و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند. و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند».

رستگاران کسانی هستند که:

1. مردم را به سوی کار نیک و پسندیده دعوت می‌کنند.
2. دیگران را از کار ناپسند باز می‌دارند و آنان را به عمل صالح دعوت می‌کنند.
3. ظاهر است که این امر از حضراتی ساخته می‌باشد که با وجود علم به معروف و منکر و آگاهی از قرآن و سنت؛ باهوش و موقع‌شناس باشند.

﴿لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡخَيۡرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٨٨﴾ [التوبة: 88].

«ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده‌اند با مال و جانشان به جهاد برخاسته‌اند. و اینانند که همۀ خوبی‌ها برای آنان است، اینان همان رستگارانند».

1. ایمان دارند به رسول.
2. جهاد می‌کنند با مال‌هایشان.
3. جهاد می‌کنند با نفس‌هایشان.
4. پس تمام نیکی‌های دنیا و عقبی نصیبشان خواهد شد.
5. و به راستی ایشان رستگارانند چرا که تمام نیکی‌ها را در برمی‌گیرند.

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥١﴾ [النور: 51].

«گفتار مؤمنان ـ وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شود تا میانشان داوری کند ـ تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» اینانند که رستگارند».

1. در برابر حکم خدا و رسولش خاشع و خاضع و به دور از هر گونه کبر و غرور و تکبر می‌گویند شنیدیم و اطاعت کردیم خواه در ظاهر به نفع یا به ضررشان باشد در برابر حکم اسلام تسلیمند.

﴿فَ‍َٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٣٨﴾ [الروم: 38].

«پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده. این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است، و اینان همان رستگارانند».

1. خویشاوندان، مساکین و مسافرین را دستگیری نمایند.
2. و به دستگیری آنها بهتر است برای شما اگر رضای خدا را می‌طلبید و بدانید که در این صورت شما از رستگاران هستید.
3. و البته خیر و نیکویی دنیا و آخرت نصیب چنین بندگانی خواهد شد.

﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ وَيُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٢٢﴾ [المجادلة: 22].

«قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند ـ هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیرۀ آنان باشند ـ دوست بدارند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوب‌هایی روان است درمی‌آورد؛ همیشه در آنجا ماندگارند؛ خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند؛ اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند».

1. آن کسانی که ایمان واقعی به خداوند و روز رستاخیز دارند با کسی که مخالف خداوند و رسولش باشند دوستی نخواهند کرد اگرچه پدران و یا پسران یا برادران و یا خویشاوندان آنان باشند.
2. آن گروه خداوند ایمان را در دل آن‌ها داشته است.
3. آن گروه خداوند از آنها راضی است و آنها از خداوند راضی هستند.
4. چنین کسانی گروه و لشکر خداوند هستند و به حقیقت ایشان رستگارانند.

﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٩﴾ [الحشر: 9].

«و هر کس از خسّت نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند».

1. رستگاران در دل‌های خود تنگی و حسد قرار نمی‌دهند.
2. و از مالی که خداوند به آنها اعطا کرده است بخشش و انفاق خواهند کرد.
3. به راستی کسانی که خداوند توفیق دستگیری دیگران را به آنها عطا کرده است کامیاب‌اند ـ چه بسا کسانی که مال وافر دارند اما خداوند توفیق انفاق کردن را به آنها نمی‌دهد.

﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ خَيۡرٗا لِّأَنفُسِكُمۡۗ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٦﴾ [التغابن: 16].

«پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید، و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید، و کسانی که از خسّت نفس خویش مصون مانند آنان رستگارانند».

1. از الله تعالی می‌ترسند.
2. در آزمایش و امتحان تا جایی که بتوانند می‌ترسند و ثابت‌قدم می‌باشند.
3. و در راه الله برای نفع خود خیرات می‌نمایند.
4. و کسی که بخل و حرض و آز را از خود دور کند به راستی رستگار است.
5. کامیاب است کسی که او را الله تعالی از حرص و آز و بخل در نفس محفوظ داشته است.

7- صفات گروه صالحین

﴿يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١١٤﴾ [آل عمران: 114].

«به خدا و روز قیامت ایمان دارند؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگانند».

صالحین چه کسانی هستند؟

1. ایمان دارند به خداوند و روز قیامت.
2. چون به کار نیک دعوت شوند به سرعت اجابت می‌کنند و از دیگران سبقت می‌ورزند.
3. می‌خواهند که دیگران را نیز به راه راست آورند لذا دائماً امر به معروف و نهی از منکر و ناپسندیده می‌کنند.
4. پس در ابتدا خود به آن ایمان دارند بعد به آن عمل می‌کنند و در نهایت دیگران را به آن امر می‌کنند.[[1]](#footnote-1)

8- صفات گروه محسنین

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣٤ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ﴾ [آل عمران: 134-135].

«همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرومی‌برند؛ و از مردم درمی‌گذرند؛ و خداوند نکوکاران را دوست دارد. و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند».

نیکوکاران چه کسانی هستند؟

1. خداوند را در هنگام شادی فراموش نمی‌کنند و هنگام مصیبت و رنج از مصرف مال باز نمی‌ایستند و در هر حال و هر موقع به اندازه توان به صرف مال مشغولند و جهاد مالی و بدنی خویش را با اعتقاد کامل انجام می‌دهند.
2. فروخوردن خشم منتهای کمال است مزید بر اینکه خطای مردم را ببخشند و تنها به عفو اکتفا نورزند.
3. و اگر عملاً یا سهواً مرتکب عمل زشتی گردند و با این عمل بر خود ظلم کنند خداوند را یاد می‌کنند و برای گناه خویش طلب آمرزش می‌کنند و بر استمرار گناه مبادرت نمی‌ورزند.

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٥﴾ [لقمان: 4-5].

«[همان] کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند، و [هم] ایشانند که به آخرت یقین دارند. آنانند که از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند، و ایشانند که رستگارانند».

مفلحون

1. بر نماز خود پایدارند و بدو ریا و سستی.
2. و از مال خود که رحمتی از جانب پروردگارشان است زکات می‌دهند و حصه‌ای چند به فقرا.
3. و اعتقاد راسخ دارند که برانگیخته خواهد شد و از نعمت‌ها مورد پرسش قرار می‌گیرند لذا خالصانه به عبادت مشغولند.
4. اینان هدایت شده‌اند از جانب پروردگارشان و به راستی ایشان رستگارانند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١٣﴾ [الأحقاف: 13].

«محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد».

محسنین

1. اعتقاد راسخ دارند که پروردگارشان الله است و هیچ تزلزلی به دل راه نمی‌دهند و بر آن ثابت‌قدمند.
2. پروردگارشان به پاس استقامتشان در پاسداری از دین و اعتقادشان در دنیا و آخرت ترس و اندوه را از آنان دور خواهد کرد و تسکین دنیایی و عقلایی را بر ایشان فرود خواهند آورد.

9- صفات مؤمنین

﴿ٱلَّذِينَ ٱسۡتَجَابُواْ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡقَرۡحُۚ﴾[آل‌عمران:172].

«کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند».

مؤمنان

1. در هر شرایطی چه در حال شادی و چه در حال اندوه حکم خداوند و رسولش را می‌پذیرند و بر آن گردن می‌نهند و تسلیم و خاشع و خاضع آن را قبول می‌کنند.
2. پس از آینده اندیشناک و از گذشته مغموم نمی‌گردند و با اطمینان و امن در رحمت الهیأ وارد خواهند شد.[[2]](#footnote-2)

صفات مؤمنون سوره انفال

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٢ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ﴾ [الأنفال: 2-4].

«مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. همانان که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند آنان هستند که حقاً مؤمنند».

مؤمنان

1. چون نام خداأ در میان آید از هیبت و خوف به لرزه افتند.
2. با شنیدن آیات و احکام الهیأ ایمان و یقین ایشان استوارتر شود.
3. اعتماد و توکل اصلی آنها جز به خداوندأ بر احدی باقی نمی‌ماند.
4. در پیشگاه او سر بندگی فرود آورند و با تمام وجود نماز را بر پا می‌دارند.
5. دارایی و هستی خود را در راه اللهأ صرف می‌کنند و اینانند مؤمنان کامل، صادق و راسخ و ایشانند که به مقامات و مراتب بزرگ قرب الهی فائز می‌گردند.

صفات مؤمنون سوره مؤمنون

﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ ٢ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ ٣ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ٤ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ ٥ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ٦ فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٧ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٨ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٩﴾ [المؤمنون: 1-9].

«به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند، و آنان که از بیهوده روی‌گردانند، و آنان که زکات می‌پردازند، و کسانی که پاکدامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگانند. و آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند، و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند».

مؤمنان

1. نماز را با خشوع[[3]](#footnote-3) و خضوع ادا می‌کنند و در نتیجه فلاح انتهایی و کامیابی اعلی نصیب آنان است.
2. و به مشاغل بیهوده وقت را ضایع نمی‌کنند و از بیهوده بودن روی بگردانند.
3. دادن زکات کار دائمی آنها است چرا که می‌فرماید: ﴿لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ ٤﴾ و نمی‌گوید: «یؤدون الزکوة».
4. در عین شهوت و میل جنسی خود را حرام نگه می‌دارند.
5. در معامله با الله و بندگان امانت و قول و عهد را حفظ می‌کنند و خیانت و بدعهدی نمی‌کنند.
6. نمازها را در وقت خود و با رعایت حقوق و آداب آن به جای می‌آورند.
7. در اهمیت نماز همان بس که در صفات مؤمنان با نماز آغاز می‌گردد و با نماز خاتمه می‌یابد.

و به راستی رستگاری اخروی و کامیابی بزرگ نصیب چنین بندگانی خواهد شد.

صفات مؤمنون سوره نور

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَإِذَا كَانُواْ مَعَهُۥ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ جَامِعٖ لَّمۡ يَذۡهَبُواْ حَتَّىٰ يَسۡتَ‍ٔۡذِنُوهُۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَ‍ٔۡذِنُونَكَ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۚ﴾ [النور: 62].

«جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند، و هنگامی که او با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند؛ آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده و برایشان آمرزش بخواه که خدا آمرزندۀ مهربان است».

مؤمنان

1. اشخاصی دارای ایمان کامل آنان‌اند که به دعوت رسول ج حاضر می‌شوند.
2. و وقتی که در یک کار اجتماعی حاضر شوند همچون نماز جمعه، جهاد و جلسه مشورت و ... بدون اجازه نمی‌خیزند و نمی‌روند.
3. همین مردم به معنی صحیح و کامل به خداأ و رسول او ج گرویده و ایمان دارند.

صفات مؤمنان سوره نمل

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ٣﴾ [النمل: 3].

«همانان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند».

مؤمنان

1. آنانند که در برپا داشتن نماز استوارند.
2. و با فراخ دستی زکات را پرداخت می‌نماید.
3. پس به راستی ایشان به آخرت یقین دارند که این چنین در نماز و زکات فعالند.

صفات مؤمنون سوره حجرات

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ ١٥﴾ [الحجرات: 15].

«در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ اینانند که راست کردارند».

مؤمنان صادق

1. به خداوند و رسولش اعتقاد کامل دارند.
2. و در راه خداوند و رسولش در هر وقت و در هر حالت به فدا کردن مال و جان خود آماده هستند.
3. به راستی این جماعه مؤمنان هستند چرا که در اعتقاد و اعمال خود شک و تردید را جای نداده‌اند.

10- صفات خداوندان عقل

﴿ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١﴾ [آل عمران: 191].

«همانان که خدا را [در همۀ احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [که:] پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ درامان بدار».

خردمندان

1. در همه حال «ایستاده، نشسته، خوابیده» خداوند را یاد می‌کنند و در هیچ حال از یاد خداوند غافل نمی‌باشند و ذکر الله تعالی همه وقت به دل و زبانشان جاری است.[[4]](#footnote-4)
2. و در خلقت آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و در این اندیشه ژرف گویند خدایا : این هستی عظیم و بیکران را به عبث نیافریدی، یقیناً سلسله این انتظامات عجیب و شگفت‌انگیز باید به یک نتیجه بزرگ و جلیل منتهی شود.
3. و در اثر این اندیشه و به یقین رسیدن که صانع واحد آفریننده است به تسبیح و تنزیه حضرت الهیأ می‌پردازند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| این‌همه‌نقش‌عجب‌بردرودیواروجود |  | هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار |

صفات صاحبان عقل

﴿أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٩ ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلۡمِيثَٰقَ ٢٠ وَٱلَّذِينَ يَصِلُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ وَيَخَافُونَ سُوٓءَ ٱلۡحِسَابِ ٢١ وَٱلَّذِينَ صَبَرُواْ ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِمۡ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ وَيَدۡرَءُونَ بِٱلۡحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ﴾ [الرعد: 19-22].

«همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی‌شکنند. و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند. و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند، و بدی را با نیکی می‌زدایند، ایشان راست فرجام خوش سرای باقی».

خردمندان

1. عهدی که در ازل با خداوند بسته‌اند و خود فطرت گواه آن است و عهد‌هایی که به واسطه انبیاء گرفته شده و عهدهایی که خودشان با خداوند می‌بندند و یا در میان خود استوار می‌کنند نمی‌شکنند.
2. و می‌پیوندند به آنچه خداوند به وصل آن فرموده است «صله رحم ـ ارتباط ایمان و عمل ـ حقوق الله ـ حقوق مردم ـ حقوق نفس ـ اخوة اسلامی و ...».
3. و می‌ترسند از عظمت و جلال الهیأ و می‌ترسند از روز بررسی مثقال مثقال حساب نفس.
4. و بر مصائب و رنج‌ها صبر کردند و مغلوب نشدند و صبر را برای حصول خشنودی خداوند انجام دادند.
5. و نماز را به استواری به جای می‌آورند و از روزیی که خداوند به آنها اعطا کرده است در راه خداوند انفاق می‌کنند. ابتدا پنهان و انتهای آشکارا. «پنهان بهتر از آشکارا است».
6. بدی را به نیکی جواب می‌دهند و در کمال فروتنی می‌بخشایند و اگر به سهو عمل بدی از ایشان سر زند در مقابل آن کار نیک می‌کنند و به تلافی گناه می‌پردازند.

﴿ٱلَّذِينَ يَسۡتَمِعُونَ ٱلۡقَوۡلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحۡسَنَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ١٨﴾ [الزمر: 18].

«به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان».

1. با آنکه سخنان گوناگون می‌شنوند سخن خوب و مفید را پذیرفته و به آن عمل می‌کنند.
2. همین مردم راه کامیابی یافته‌اند زیرا عقل خود را به کار برده راه توحید خالص را اختیار کرده‌اند.

11- صفات صاحبان نعمت داده شده

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ﴾ [النساء: 69].

«و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمرۀ کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند».

1. نبی کسی است که وحی الهی بر او فرود آید ـ صدیق کسی است که احکام الهی را که از جانب خداوند بر پیغمبر نازل می‌شود از دل بر صدق آن گواهی می‌دهد و آن چنان است که حتی بدون دلیل آن را می‌پذیرد ـ حکمت الهی ـ شهید کسی است که خویش را فدای حقیقت نماید و صالح کسی است که تمام وجودش را کردار نیک در برمی‌گیرد.
2. مسلمانانی که حکم خدا و پیغمبر را با دل و جان می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند در صف چنین مؤمنانی قرار خواهند گرفت هر چند که به مقام و مرتبت ایشان نرسند.

12- صفات مصلحین

﴿وَٱلَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِٱلۡكِتَٰبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُصۡلِحِينَ ١٧٠﴾ [الأعراف: 170].

«و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ درمی‌زنند و نماز برپا داشته‌اند [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد».

1. کسانی که به هدایت اصلی تورات عمل کرده و مطابق هدایت و پیشگویی آن به قرآن ایمان داشته باشند و حق بندگی خداوندأ را از نماز و ... به جای آورده باشند خداوند پاداش چنین نیکوکارانی را ضایع نخواهد کرد و مطابق نیکویی ایشان پاداش خواهد داد.
2. پس نیکوکاران نماز را برپا می‌دارند و پندار و گفتار و کردارشان نیک است و برای برنامه زندگی‌شان به گفته قرآن توجه می‌کنند.

13- صفات گروه فائزین

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ أَعۡظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ٢٠﴾ [التوبة: 20].

«کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند».

1. ثواب و درجات نزد اللهأ فراوان است و هر که را به قدی که خواهد ارزانی بخشد که عبارتند از : 1- ایمان 2- هجرت 3- جهاد.
2. آنکه ایمان دارد به رحمت الهی نائل شده است.
3. آنکه هجرت کند جهت رضای الهی ترک وطن کند پس به وطنی جاویدان ـ فردوس ـ نائل خواهد شد.
4. آنکه جهاد کند. جمیع لذات نفسانی و تعلقات شخصی را ترک می‌نماید و در راه خداوند نثار می‌کند چرا که مجاهد بالاترین پر ارزش عوامل دنیوی را که جان خویش است در راه اللهأ قربانی کرده است.

صفات گروه فائزون

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخۡشَ ٱللَّهَ وَيَتَّقۡهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ ٥٢﴾ [النور: 52].

«و کسی که خدا و فرستادۀ او را فرمان بَرَد، و از خدا بترسد و از او پروا کند؛ آنانند که خود کامیابند».

فائز «درستکار»

1. اطاعت می‌کند او امر الله و رسولش را.
2. و از مقام اللهأ بترسد و از خطاهایش توبه کند.
3. و پرهیز کند از گناهان به راستی کامیابی دنیا و آخرت را به دست آورده‌اند.

14- صفات اولیاء الله «دوستان خدا»

﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ٦٢ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ٦٣ لَهُمُ ٱلۡبُشۡرَىٰ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ﴾ [يونس: 62-64].

«آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند. در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است».

دوستان خداوند

1. در دنیا و آخرت نه می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند ـ نه غم از دست دادن دنیا دارند و نه از آخرت و روز حساب می‌ترسند ـ چرا که آنان خالصانه ایمان آورده‌اند و از گناهان دوری کرده‌اند و تقوای الهی را پیشه خود ساخته‌اند و بدینسان بشارت و موافقات دنیوی با آنهاست و در هنگام مرگ فرشتگان بشارت اخروی را نیز به آنان خواهند داد.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٣٠﴾ [فصلت: 30].

15- صفات مُخبتین «فروتنان»

﴿وَبَشِّرِ ٱلۡمُخۡبِتِينَ ٣٤ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمۡ وَٱلۡمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ ٣٥﴾ [الحج: 34-35].

«و فروتنان را بشارت ده. همانان که چون [نام] خدا یاد شود، دل‌هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه‌گانند و بر پادارندگان نمازند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند».

فروتنان

1. حکم خدای یگانه را قبول دارند و به ذکر آن ذات مقدس دلشان آرام می‌یابد و از جلال و جبروت الله تعالی می‌ترسند.
2. مصائب و شداید را به صبر و ثبات تحمل می‌کنند.
3. نماز را برپا می‌دارند و از روزیی که خداوند به آنها عطا کرده است در راه اللهأ انفاق می‌کنند.

16- صفات یسارعون فی الخیرات سورة مؤمنون «شتابندگان در نیکی»

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ خَشۡيَةِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٥٧ وَٱلَّذِينَ هُم بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ يُؤۡمِنُونَ ٥٨ وَٱلَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمۡ لَا يُشۡرِكُونَ ٥٩ وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ ٦٠ أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ ٦١﴾ [المؤمنون: 57-61].

«در حقیقت، کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند، و کسانی که به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند، و آنان که به پروردگارشان شرک نمی‌آورند، و کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می‌دهند، در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و می‌دانند] که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت، آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می‌جویند».

1. همه وقت از خوف خداأ می‌ترسند چرا که معلوم نیست انعامی در دنیا که به آن دست یافته‌اند تداوم داشته باشد و یا اینکه سنت استدراج است و با وجود نیکی کردن خوف و بیم دارد.
2. و به نشانه‌های پروردگار خود زمین و سماوات و سیارات و ستارگان و کهکشان‌ها و آنچه در آنهاست ایمان دارند که صانعی دانا و حکیم و با حکمت و هدف آن را ساخته است.
3. و هر گونه شائبه شرک جلی و خفی را به دل و عمل راه نمی‌دهند.
4. اگرچه در راه خداوند خرج می‌کنند نمی‌دانند مورد قبول واقع می‌شود یا نه؟ عملشان در آخرت به کار می‌آید یا نه و به همین جهت به عمل خود مغرور نمی‌شوند و با وجودی که نیکی می‌کنند در دلشان ترس وجود دارد.
5. کسانی که این صفات را دارند در نیکی‌ها می‌شتابند و از همدیگر در نیکی‌ها سبقت می‌گیرند.
6. پس در حقیقت نیکویی اصلی در اعمال صالحه و اخلاق حمیده و ملکات فاضله است نه در اموال و اولاد.

17- صفات عباد الرحمن «بندگان خداوند بخشنده»

﴿وَعِبَادُ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلَّذِينَ يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ ٱلۡجَٰهِلُونَ قَالُواْ سَلَٰمٗا ٦٣ وَٱلَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمۡ سُجَّدٗا وَقِيَٰمٗا ٦٤ وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ٦٥ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٦٦ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ٦٧ وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا ٦٨ يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا ٦٩ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلٗا صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٧٠ وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَإِنَّهُۥ يَتُوبُ إِلَى ٱللَّهِ مَتَابٗا ٧١ وَٱلَّذِينَ لَا يَشۡهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ بِٱللَّغۡوِ مَرُّواْ كِرَامٗا ٧٢ وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَمۡ يَخِرُّواْ عَلَيۡهَا صُمّٗا وَعُمۡيَانٗا ٧٣ وَٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤﴾ [الفرقان: 63-74].

«و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند؛ و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند. و آنانند که در حال سجده یا ایستاده، شب را به روز می‌آورند. و کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، عذاب جهنم را از ما باز گردان که عذابش سخت و دائمی است و در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است» و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند. و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند، و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. و کسانی‌اند که گواهی دروغ نمی‌دهند؛ و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند. و کسانی‌اند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی‌افتند. و کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایۀ روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».

بندگان مخلص خداوند بخشنده

1. در گفتار و کردار خود اظهار بندگی می‌نمایند از رفتار و کردار آنها تواضع، متانت، خاکساری و بی‌تکلفی آشکار می‌گردد و مانند متکبرین بر زمین خرامان راه نمی‌روند و همچنین مانند مریضان قدم برنمی‌دارند.
2. سخنان مردم بی‌خرد و بی‌ادب را به بخشایش و حسن بیان جواب می‌دهند اگر کسی از نادانی و بی‌خردی با ایشان گفتگو کند با سخن ملایم کناره می‌جویند و با چنین اشخاصی هم زبان نمی‌شوند.
3. و قسمتی از شب را از خواب و استراحت جدا می‌شوند و در حضور پروردگار خود به قیام و سجده مشغول می‌شوند و از پروردگار خود دوری از گناه و عذاب را می‌طلبند و با این همه عبادت از عذاب خداوند خوف دارند و از آن به خدا پناه می‌برند.
4. موقعیت را می‌سنجند و به میانه‌روی خرج می‌کنند و افراط در محبت مال ندارند.
5. و معبودی به جزء الله را پرستش نمی‌کنند و نفسی را که الله حرام گردانیده است نمی‌کشند مگر به حق «جهت قصاص و یا جهاد با کفار و ...» و از زنا دوری می‌کنند.
6. نه دروغ می‌گویند و نه شهادت دروغ می‌دهند و نه در کارهای باطل و مجالس گناه حاضر می‌شوند.
7. وقتی که آیات الهی را ببینند همانند کران و کوران از آن نمی‌گذرند بلکه به فکر و تدبر بر ایمانشان می‌افزایند و متأثر می‌شوند.
8. زن و اولادی عطایم فرما که از دیدن آنها چشم و دل ما روشن گردد زیرا دل مؤمن زمانی شاد و مطمئن می‌شود که اهل و عیال خود را در اطاعت الهی ببینند و ما را آنچنان هدایت بفرما که برای دیگران هم هادی شویم و خاندان ما، در تقوی و طهارت ما را پیروی نمایند.

18- صفات گروه راشدون «راه یابندگان»

﴿وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ٧﴾ [الحجرات: 7].

«لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] ره‌یافتگانند».

راه‌ یابندگان

1. الله تعالی به فضل و احسان خود در دل‌های مؤمنین ایمان را محبوب گردانیده است و نفرت کفر و معصیت را در آن قرار داده است و به راستی این جماعه به سبب پیروی از دین و دوری از کفر و گناه راه‌ یافتگانند.

19- صفات گروه صدیقون «ایمان‌داران راستین»

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَۖ﴾ [الحديد: 19].

«و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راست گویانند».

صدیقون

1. بر اللهأ و جمیع پیغمبران کاملاً ایمان دارند و اثر این یقین ایمان در اعمال و احوال آنها ظاهر است. ایمان‌داران راست و راسخ به راستی همین مردمند.

20- صفات کسانی که خداوند ایمان را در دل آنها نوشته است همچون «حزب الله لشکر خدا» و مفلحون «رستگاران»

﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ﴾ [المجادلة: 22].

«قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند ـ هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیرۀ آنان باشند ـ دوست بدارند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است».

1. کسانی که با خدا و رسول وی مقابله می‌کنند آنها در حقیقت بر علیه حق و صداقت جنگ می‌نمایند پس مسلمانان واقعی این چنین اشخاصی را به دوستی نمی‌گیرند اگرچه از نزدیکان باشند پس خداوند به پاداش اعمال نیکشان که رضای الهی را بر همه ترجیح داده‌اند ایمان را در دل‌های آنها پیوست نموده و نور غیبی به قلب ایشان عطا فرموده که خاص حیات معنوی را دریابند.

21- صفات گروه مصلّین «نمازگزاران»

﴿إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ ٢٢ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ ٢٣ وَٱلَّذِينَ فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ ٢٤ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ ٢٥ وَٱلَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٢٦ وَٱلَّذِينَ هُم مِّنۡ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشۡفِقُونَ ٢٧ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمۡ غَيۡرُ مَأۡمُونٖ ٢٨ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ ٢٩ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ ٣٠ فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ ٣١ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِأَمَٰنَٰتِهِمۡ وَعَهۡدِهِمۡ رَٰعُونَ ٣٢ وَٱلَّذِينَ هُم بِشَهَٰدَٰتِهِمۡ قَآئِمُونَ ٣٣ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ ٣٤﴾ [المعارج: 22-34].

«غیر از نمازگزاران: همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند. و همانان که در اموالشان حقی معلوم است، برای سائل و محروم. و کسانی که روز جزا را باور دارند. و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. و کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، و کسانی که امانت‌ها و پیمان خود را مراعات می‌کنند. و آنان که بر شهادت‌های خود ایستاده‌اند. و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند».

1. در نماز خود وفقه‌ای وارد نمی‌کنند بلکه به مداومت و التزام نماز می‌گذارند.
2. و از اموالشان برای فقیران سؤال‌کننده و غیر سؤال‌کننده حصه‌ای را در نظر گرفته‌اند.
3. به حدّت یقینی که به روز جزا دارند به اعمال نیک می‌پردازند.
4. و به سبب ترسی که از عذاب الهی دارند بدی‌ها را ترک می‌کنند.
5. و خود را از شهوت و ارضای جنسی دور می‌کنند مگر به روش حلال ازدواج.
6. تمام حقوق الله و حقوق عباد الله را انجام می‌دهند و بر امانت‌ها خیانت نمی‌کنند و بر عهد و پیمان خود اگر در جهت حق و ایمان باشد پایبندند.
7. و هرگز حق‌پوشی نمی‌کنند و گواهی به صدق میدهند و ترسی از گفتن حقیقت ندارند و در وقت ضرورت گواهی و شهادت بی‌کم و کاست میدهند.
8. و نمازهای خود را در وقت معین و در هر شرایطی ادا می‌کنند و آداب آن را به جای می‌آورند.

22- صفات عباد الله «بندگان خدا»

﴿عِبَادُ ٱللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفۡجِيرٗا ٦ يُوفُونَ بِٱلنَّذۡرِ وَيَخَافُونَ يَوۡمٗا كَانَ شَرُّهُۥ مُسۡتَطِيرٗا ٧ وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا ٨ إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا ٩ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا ١٠﴾ [الإنسان: 6-10].

«چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می‌کنند. [همان بندگانی که] به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. «ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم» ما از پروردگارمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم».

بندگان مخلص خداوند

1. آنچه را که بر عهده گرفته‌اند آن را به خوبی انجام می‌دهند.
2. زیرا از روز سختی برپایی قیامت و جزا و پاداش می‌ترسند که سختی آن روز دامنگیر همه است «منتشر».
3. جهت محبت خداوند طعام خود را با وجود احتیاج با کمال شوق و خلوص به مساکین و یتیمان و اسیران می‌دهند. «محبوس عام است خواه مسلم باشد خواه کافر چنان که در جنگ بدر با اسیران با سلوک نیک رفتار می‌شد».
4. نه منت می‌گذارند ـ نه سپاسگزاری می‌خواهند و نه عوض می‌ستانند. فقط جهت رضای الهی و از ترس روز جزا به اعمال نیک می‌پردازند.

23- صفات اصحاب المیمنه «یاران حظّ بسیار و نیکبخت»

﴿فَكُّ رَقَبَةٍ ١٣ أَوۡ إِطۡعَٰمٞ فِي يَوۡمٖ ذِي مَسۡغَبَةٖ ١٤ يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ ١٥ أَوۡ مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ ١٦ ثُمَّ كَانَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡمَرۡحَمَةِ ١٧ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ ١٨﴾ [البلد: 13-18].

«بنده‌ای را آزاد کردن، یا در روز گرسنگی طعام داد: به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک‌نشین. علاوه بر این از زمرۀ کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند؛ اینانند خجستگان».

اصحاب دست راست، حظّ بسیار و نیکبختان

1. آزاد کردن غلام و کنیز یا قرض‌‌دار از بار قرض سبک ساختن.
2. در وقت سختی و قحطی گرسنگان را دستگیری نمودن.
3. نیکویی به یتیمان و اقربا «نزدیکان».
4. و دستگیری از فقیری که از فقر و تنگدستی خاک‌آلود شده باشد. «نه اسراف‌هایی که در عروسی ـ مرده ‌داری و یا مجالس عیاشی به کار می‌رود».
5. و به شرط قبولی اعمال، ایمان داشته باشند و به صبر و محبت و مهربانی با همدیگر توصیه و تأکید کنند و ادای حقوق و انجام فرایض و بر خلق خدا رحم نمایند تا آسمانیان بر شما رحم فرمایند.
6. ایشانند یاران دست راست و به نیکبختی رسیدن.

24- صفات بهترین خلق

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ ٧﴾ [البینة:7].

«در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنانند که بهترین آفریدگانند».

1. بهترین خلایق کسانی هستند که ایمان دارند (به خداوند ـ روز جزا ـ پیامبران ـ کتب آسمانی).
2. و کارهای نیکو انجام می‌دهند و حتی بر دیگران سبقت می‌گیرند.

25- صفات انسان‌هایی که زیانکار نیستند

﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ لَفِي خُسۡرٍ ٢ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ وَتَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ ٣﴾ [العصر: 2-3].

«که واقعاً انسان دستخوش زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند».

انسان‌هایی که زیانکار نیستند

1. ایمان دارند «به خداوند ـ ملائک ـ پیامبران ـ کتب آسمانی ـ قیامت و ...».
2. و اعمالشان نیک است: «نماز ـ روزه ـ حج ـ انفاق ـ صلۀ رحم ـ ورزش و سلامتی جسم و روح ـ زخم زبان نزدن ـ طعنه نزدن ـ غیبت نکردن ـ جستجو نکردن در زندگی دیگران ـ عیبجویی نکردن در دیگران و ...».
3. و امر می‌کنند یکدیگر را به حقیقت و حقانیت و به صبر در برابر مشکلات چرا که ایمان دارند بعد از سختی البته آسانی است و مصائب آزمایشی است الهی پس با عبادت و صبر آن را تحمل می‌کنند و خداوند اجر و پاداش دنیوی و اخروی را نصیبشان خواهد کرد.

بخش دوم:
صفات رذیله و ناقصه «انسان با داشتن این صفات پست خواهد شد»

26- صفات منافق

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ ٨ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ ٩ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ ١٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ ١١ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ ١٢ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُۗ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلسُّفَهَآءُ وَلَٰكِن لَّا يَعۡلَمُونَ ١٣ وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ مُسۡتَهۡزِءُونَ ١٤ ٱللَّهُ يَسۡتَهۡزِئُ بِهِمۡ وَيَمُدُّهُمۡ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ يَعۡمَهُونَ ١٥ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشۡتَرَوُاْ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلۡهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمۡ وَمَا كَانُواْ مُهۡتَدِينَ ١٦ مَثَلُهُمۡ كَمَثَلِ ٱلَّذِي ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا فَلَمَّآ أَضَآءَتۡ مَا حَوۡلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمۡ وَتَرَكَهُمۡ فِي ظُلُمَٰتٖ لَّا يُبۡصِرُونَ ١٧ صُمُّۢ بُكۡمٌ عُمۡيٞ فَهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ١٨﴾ [البقرة: 8-18].

«و برخی از مردم می‌گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم، ولی گروندگان [راستین] نیستند. با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند؛ ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند، و نمی‌فهمند. در دل‌هایشان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود؛ و به [سزای] آنچه به دروغ می‌گفتند، عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. و چون به آنان گفته شود: «در زمین فساد مکنید»، می‌گویند: «ما خود اصلاحگریم» به هوش باشید که آنان فسادگرانند، لیکن نمی‌فهمند. و چون به آنان گفته شود: «همان‌گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید»، می‌گویند: «آیا همان‌گونه که کم‌خردان ایمان آورده‌اند، ایمان بیاوریم؟» هشدار که آنان همان کم‌خردانند؛ ولی نمی‌دانند و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند: «ایمان آوردیم»، و چون با شیطان‌های خود خلوت کنند، می‌گویند: «در حقیقت ما با شماییم، ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم» خدا [است که] ریشخندشان می‌کند، و آنان را در طغیانشان فرومی‌گذارند تا سرگردان شوند. همین کسانند که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند، در نتیجه داد و ستدشان سود[ی به بار] نیاورد؛ و هدایت یافته نبودند. کرند، لالند، کورند؛ بنابراین به راه نمی‌آیند».

منافق

1. از صمیم قلب ایمان ندارند و جهت فریب مردمان به زبان اظهار ایمان می‌کنند.
2. فریب ایشان از حضرت الهیأ پنهان نمی‌ماند و نتیجه این فریب به خودشان باز می‌گردد.
3. در دل‌هایشان بیماری نفاق، نفرت و حسد مسلمانان مستولی است و پیروزی مسلمانان بر بیماریشان می‌افزاید.
4. و به جهت نفاقشان عذاب الیم جزایشان است.
5. با تمایلات نفسانی فساد می‌انگیزند، در احکام شرع سست هستند و به هر جانب نفعی داشته باشد مراوده می‌کنند.
6. هر چیزی را به حیله مصالحت و مصلحت جلوه می‌دهند و در حقیقت جز فساد چیزی نیست اما خود از ادراک آن عاجزاند.
7. در حقیقت منافقان سفیه‌اند [بی‌خردند] چرا که آنها برای مصالح فناپذیر این جهان از اندیشه آخرت باز مانده‌اند.
8. جهل عظیم‌شان ترسیدن از مخلوق ناتوان و نترسیدن از خداوند جهان و دانای نهان است.
9. دانششان به حدی محدود است که چنین حقیقت آشکار و روشن را ادراک نمی‌کنند.
10. و با شیاطین (پیشوای منافقین و یا کفار) اظهار دوستی می‌نمایند و دوستی خود با مسلمانان را ساده‌لوحی مسلمانان و استهزا به آنان می‌دانند.
11. خداوند ایشان را مهلت می‌دهد تا به عصیان خویش ادامه دهند و در آن سرگردان شوند و در این جهان تباه و در آن جهان رسوا گردند.
12. کرانند سخن حق نمی‌شنوند ـ گنگند حرف راست نمی‌گویند. کورانند سود و زیان را تشخیص نمی‌دهند و در نتیجه هیچ وقت به سوی حق راه نیابند.

صفات منافقان سوره نساء

﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَهُوَ خَٰدِعُهُمۡ وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٤٢﴾ [النساء: 142].

«منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه او را آنان نیرنگ خواهد کرد؛ و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند. با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

1. نماز که امری ضروری و عبادت خالص است و در انجام دادن آن کوچکترین زیان مالی و جانی متصور نیست منافقان در انجام دادن آن تنبلی و سستی می‌کنند.
2. و اگر نمازی را هم به جای آورند به غرض ریا و فریفتن مردم و آن هم با اکراه و اجبار می‌خوانند تا مسلمان شمرده شوند.

27- صفات فاسقان

﴿إِلَّا ٱلۡفَٰسِقِينَ ٢٦ ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٢٧﴾ [البقرة: 26-27].

«همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند؛ و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند؛ و در زمین به فساد می‌پردازند؛ آنانند که زیانکارانند».

فاسقان

1. عهدی را که با خداوند بسته‌اند می‌شکنند «روگردان از پیامبران» صله رحم با مؤمنان و خویشان ـ انجام دادن فرایض دینی و ... .
2. و آنچه را که خداوند امر به انجام دادن آن کرده است می‌گسلند و از انجام دادن آن سرباز می‌زنند «نماز ـ روزه ـ حج ـ زکات و انفاق و ...».
3. و در زمین فساد می‌کنند «مردمان را از ایمان و انجام دادن اعمال صالح باز می‌دارند، در بین مسلمانان تفرقه و دشمنی ایجاد می‌کنند و ...».
4. اینان فاسقان و زیانکارانند و بر حسب اعمال خویش خود را به زیان می‌افکنند در حال هیچ‌گاه به اسلام ضرری نمی‌رسد.

صفات فاسقان

﴿وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٤٧﴾ [المائدة: 47].

«و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، آنان خود، نافرمانند».

فاسقان

1. به آنچه که خداوند فروفرستاده است در احکام زندگی بشر عمل نمی‌کنند بلکه بر اساس هواهای نفسانی و منافع مادی و دنیوی حکم می‌کنند.
2. پس سبب معامله دنیویشان و فروختن احکام الهی به بهایی اندک ایشانند بدکاران و زیانکاران و فاسقان زمین.

صفات فاسقون

﴿ٱشۡتَرَوۡاْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ ثَمَنٗا قَلِيلٗا فَصَدُّواْ عَن سَبِيلِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ سَآءَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩﴾ [التوبة: 9].

«آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او بازداشتند، به راستی آنان چه بد اعمالی انجام می‌دادند».

فاسقان

1. برای اندک طمع دنیوی احکام و آیات خداوندأ را رد کردند.
2. خود به راه اللهأ نرفتند و دیگران را نیز منع می‌کنند.
3. و این بدترین اعمال است که امر به منکر می‌کنند «دیگران را از عبادت باز می‌دارند».

صفات فاسقون

﴿وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ٥٥﴾ [النور: 55].

«و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند».

فاسقان

1. در برابر نعمت‌هایی که خداوند به آنها عطا فرموده است باز ناسپاسی می‌کنند.
2. نعمت‌هایی را که خداوند به آنها عطا فرموده است فراموش می‌کنند و یا عمداً آن را به ورطه فراموشی می‌سپارند و از روی لجاجت.

صفات فاسقون

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ نَسُواْ ٱللَّهَ فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ ١٩﴾ [الحشر: 19].

«و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانند».

فاسقان

1. حقوق خداوند را فراموش کردند و از یاد او غافل شدند.
2. اللهأ آنها را از جان‌های خودشان غافل ساخت که هیچ در فکر خلاصی آینده خود نباشند و در عصیان خویش غرق شدند و در هلاکت ابدی افتادند.

صفات فاسقین

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ ٦ هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْۗ﴾ [المنافقون: 6-7].

«خدا فاسقان را راهنمایی نمی‌کند. آنان کسانی‌اند که می‌گویند: «به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند، و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان درنمی‌یابند».

 فاسقان

1. اللهأ گروه نافرمانان را راه نمی‌نماید تا در گمراهی خویش سرگردان باشند.
2. آنان کسانی هستند که مناع الخیر هستند و مردمان را از راه نیک و اعمال نیک برحذر می‌کنند.
3. فاسقان با گفتار و اعمالشان سعی در تفرقه و دشمنی بین مسلمانان دارند و حتی عداوت در بین خانواده مسلمین.
4. در راه خداوند انفاقی نخواهند کرد و اگر کسی را در حال انفاق کردن ببینند مانع آن می‌شوند.

28- صفات اصحاب آتش

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٣٩﴾ [البقرة: 39].

«و[لی] کسانی که کفر می‌ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنانند که اهل آتشند؛ و در آن ماندگار خواهند بود».

1. اصحاب آتش آنانند که کافرند یعنی بسیاری از حقایق را می‌دانند اما به جهت منفعت دنیوی آن را می‌پوشانند.
2. آنان همچنین منکر آیات خداوند می‌شوند و نشانه‌های خلقت از نباتات، حیوانات و انسان را منشأ تصادف می‌دانند و به حقانیت خالق آنها ایمان نمی‌آرند.

صفات اصحاب آتش

﴿بَلَىٰۚ مَن كَسَبَ سَيِّئَةٗ وَأَحَٰطَتۡ بِهِۦ خَطِيٓ‍َٔتُهُۥ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ ٨١﴾ [البقرة: 81].

«آری، کسی که بدی به دست آورد، و گناهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتشند، و در آن ماندگار خواهند بود».

1. اصحاب آتش به علت انکار آیات الهی به اعمال گناه‌آلود مرتکب می‌شوند و تکرار مکرر گناه سبب احاطه کامل بر جسم و روح آنها شده و راه خلاصی ندارند و نور امید و هدایت را در دل‌های خود خاموش کرده‌اند و سرانجامشان در دنیا و قیامت هلاک ابدی است.

صفات رفیقان آتش

﴿وَأَنَّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ ٤٣﴾ [المؤمن: 43].

«همانا اسراف‌کنندگان از اهل جهنم‌اند».

1. اصحاب آتش از حد گذراندگانند چرا که نه تنها خداوند را عبادت نمی‌کنند بلکه بندگان خدا را از راه الهی دور می‌دارند و آنها را به ماده‌پرستی دعوت و ترغیب می‌نمایند و این نهایت جهل بشر است که بدون تفکر دعوت به غیر اسلام و حرکت به هوس‌پرستی را می‌پذیرند.

صفات اصحاب آتش

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَآ أُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ١٠﴾ [التغابن: 10].

«و کسانی که کفر ورزیده‌، و آیات ما را تکذیب کرده‌اند، آنان اهل آتشند [و] در آن ماندگار خواهند بود، و چه بد سرانجامی است».

1. اصحاب آتش حقایق را می‌پوشانند و آیات الهی را منکر می‌شوند و هدف آنها از این اعمال جز منفعت ناچیز دنیوی چیز دیگری نیست. «تفصیل بیشتر در صفات اصحاب آتش سوره بقره آیه 39 قبلاً گذشته به صفحه مورد نظر رجوع کنید».

صفات اصحاب آتش

﴿مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ ٤٢ قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ ٤٣ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ ٤٤ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ ٤٥ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ٤٦ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ ٤٧﴾ [المدثر: 42-47].

««چه چیز شما را در آتش [سَقَر] درآورد؟» گویند: «از نمازگزاران نبودیم، و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، با هرز درایان هرزه‌درایی می‌کردیم، و روز جزا را دروغ می‌شمردیم، تا مرگ ما در رسید».

اصحاب آتش

اصحاب آتش با وجود عقل و دانش در سقر افتادند چرا که:

1. نماز را به جای نیاورند.
2. محتاج را طعام نمی‌دادند «انفاق نمی‌کردند».
3. و با کسانی که بیهوده‌گو و اهل باطل بودند معاشرت می‌کردند.
4. و به مسلمین می‌خندیدند و روز جزا را منکر می‌شدند.
5. نه حق خدا را شناختند و نه خبر از بندگان خدا گرفتند.
6. بزرگترین و وخیم‌ترین سخن اینکه یقین نداشتند که روز انصاف هم آمدنی است و دائماً آن را تکذیب می‌کردند چرا که در باطل لذات دنیوی خود سرگردان و غوطه‌ور بودند تا ساعت مرگ فرارسید و آن وقت یقینشان حاصل شد که دیگر چه سود.

29- صفات ظالمین «ستمکاران»

﴿فَمَنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٩٤﴾ [آل عمران: 94].

«پس کسانی که بعد از این، بر خدا دروغ بندند، آنان خود ستمکارانند».

ظالمان «ستمگران»

1. کسانی هستند که به جهت منفعت دنیوی از روی هوی و هوس خود سخنانی را بیان می‌کنند و آن را به خداوند نسبت می‌دهند.

صفات ظالمون «ستمکاران»

﴿وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٤٥﴾ [المائدة: 45].

«و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود ستمگرانند».

ظالمون «ستمکاران»

1. مطابق احکام خدا حکم صادر نمی‌کنند اگر حکم الهی آنها را محکوم و مذموم کند از پذیرش آن سرباز می‌زنند و اگر حکم الهی مطابق با منفعت آنها باشد در برابر آن گردن می‌نهند و در واقع مطابق حکم الهی عمل نمی‌کنند بلکه با توجه به نفع و ضرر خود از هواهای درونی خویش پیروی می‌نمایند.

صفات ظالمین «ستمکاران»

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥١﴾ [المائدة: 51].

«خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید».

1. با دشمنان اسلام دوستی می‌نمایند و با این عملشان هم بر خود و هم بر مسلمانان ستم می‌کنند از چنین افراد لجوج و متکبر توقع هدایت نمی‌رود چرا خداوند می‌فرماید «ای مؤمنان مگیرید یهود و نصاری را دوستان».

صفات ظالمون «ستمکاران»

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَابَآءَكُمۡ وَإِخۡوَٰنَكُمۡ أَوۡلِيَآءَ إِنِ ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡكُفۡرَ عَلَى ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٢٣﴾ [التوبة: 23].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند [آنان را] به دوستی مگیرید، و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمکارانند».

1. آنچنان که در قلبشان بیماری است و ایمانشان ضعیف است که دوستی اطرافیان را بر دین و ایمانشان ترجیح می‌دهند.

هان ای برادر پس اگر می‌خواهی که جزء گروه ظالمین نباشی کسی را که کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهند به دوستی مگیر و قدر و منزلتی برایشان در نظر نگیر اگرچه با ایشان خویش باشی.

صفات ظالمین «ستمکاران»

﴿ٱلظَّٰلِمِينَ ١٨ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجٗا وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ١٩﴾ [هود: 18-19].

«ستمگران: همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود، آخرت را باور ندارند».

1. از ظلم و بی‌انصافی کلام الهی را دروغ جلوه می‌دهند و منکر رستاخیز هستند.
2. دیگران را از راه خدا باز می‌دارند و درصدد آنند که راه راست را کج کنند.
3. لعنت خدا بر چنین ستمکارانی باد.

صفات ظالمون «ستمکاران»

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١﴾ [الحجرات: 11].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید؛ چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند».

تنبیه

عموماً مشاهده می‌شود به محض اینکه بین دو شخص یا دو گروه اختلاف به وجود می‌آید یکی بر دیگری تمسخر و استهزا می‌کند یک سخن جزیی را دستاویز قرار داده بلافاصله به ریشخندی می‌پردازند. حال آنکه خبر ندارند بر شخصی که ریشخند می‌کنند شاید در حضور الله تعالی از او بهتر باشد ـ بسا اوقات خود این آدم پیش از وقوع اختلاف او را بهتر می‌دانسته است ـ از این رو دایره نفرت و عداوت روز به روز وسیع‌تر می‌شود که برای صلح و آشتی هیچ امیدی باقی نمی‌ماند. در این آیه خداوند قدوس از چنین کسانی منع فرموده است.

1. بر یکدیگر تمسخر نکنید، تهمت نزنید، بهتان ننمایید، تجسس نکنید، عیوب یکدیگر را عیان نکنید و به نام‌های بد و الفاظ زشت طرف مقابل را یاد ننمایید پس در غیر این صورت فاسق و گنهکار و مردم‌آزار می‌شوید ـ شخصی که ایمان آورده و مسلمان شده است او را به سخنان بیش از مسلمانی‌اش طعنه نزنید و به القاب بد یاد نکنید و یا کسی در عیبی مبتلا باشد و آن عیب در اختیار او نباشد و یا از گناهی توبه کرده باشد.
2. و اگر توبه نکردید از این اعمال زشت نزد خداوند ظالمان اصلی به شمار خواهید رفت.

صفات گروه ظلمون «ستمکاران»

﴿إِنَّمَا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَأَخۡرَجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخۡرَاجِكُمۡ أَن تَوَلَّوۡهُمۡۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ٩﴾ [الممتحنة: 9].

«فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند».

1. با آنکه اللهأ رابطه دوستی با دشمنان اسلامی را منع فرموده است بنا بر منفعت دنیوی خود فرمان الهی را نادیده می‌گیرند و با دشمنان اسلامی مراودت می‌نمایند.

30- صفات گروه گمراهان

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ ثُمَّ ٱزۡدَادُواْ كُفۡرٗا لَّن تُقۡبَلَ تَوۡبَتُهُمۡ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلضَّآلُّونَ ٩٠﴾ [آل عمران: 90].

«کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند، سپس بر کفر [خود] افزودند، هرگز توبۀ آنان پذیرفته نخواهد شد، و آنان خود گمراهانند».

گمراهان

1. کسانی هستند که بعد از قبول حق و ایمان آوردن دیده و دانسته منکر حق می‌گردند و در انکار خویش مداومت می‌کنند «تا شاید از منفعت دنیوی بهره شایان ببرند».
2. خداوند توبه ایشان را در لحظات مرگ نمی‌پذیرد و گمراه و سرگردان خواهند بود. چرا که توبه ایشان بنا بر مصلحت ظاهری و لفظی است و چنانچه باز گردند در وادی کفر خویش باقی خواهند ماند.

31- صفات گروه کافران

﴿عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٠ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَهۡوٗا وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَاۚ﴾ [الأعراف:50-51].

«کافران: همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند، و زندگی دنیا مغرورشان کرد».

کافران

1. آیات الهی را منکر می‌شوند.
2. برای تنعم دنیا دین الهی را بازیچه هوی و هوس خود قرار می‌دهند.
3. و زندگانی دنیا آنها را مغرور و سرمست از مواهب دنیوی کرد و از سرای جاوید غافل مانند و در نهایت عذاب الهی در دنیا و آخرت نثار ایشان خواهد شد.

صفات کافران

﴿ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٠٧ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ وَسَمۡعِهِمۡ وَأَبۡصَٰرِهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ١٠٨ لَا جَرَمَ أَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٠٩﴾ [النحل: 107-109].

«کافران: آنان کسانی‌اند که خدا بر دل‌ها و گوش و دیدگانشان مُهر نهاده و آنان خود غافل‌اند. شک نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند».

کافران

1. در دنیاطلبی و هواپرستی مست و مدهوش می‌باشند.
2. از توانایی‌هایی که خداوند در اختیارشان قرار داده بود استفاده نکردند در نتیجه توفیق الهی از آنان سلب شد و ندای حق در گوش آنها تأثیر ننمود و حقانیت آیات الهی را نتوانستند ببینند و در آن تفکر کنند.
3. پس خداوند مُهر گمراهی را بر وجود آنها نقش بست و در دنیا گمراه و سرگردان مانند و در آخرت بدون شک از زیانکاران خواهند بود.

32- صفات غافلون

﴿وَلَقَدۡ ذَرَأۡنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِۖ لَهُمۡ قُلُوبٞ لَّا يَفۡقَهُونَ بِهَا وَلَهُمۡ أَعۡيُنٞ لَّا يُبۡصِرُونَ بِهَا وَلَهُمۡ ءَاذَانٞ لَّا يَسۡمَعُونَ بِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَٱلۡأَنۡعَٰمِ بَلۡ هُمۡ أَضَلُّۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡغَٰفِلُونَ ١٧٩﴾ [الأعراف: 179].

«و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آنها همان غافل‌ماندگانند».

غافلون

1. دل، گوش، چشم دارند ـ اما از دل در آیات الهی تفکر نمی‌کنند و سخنان خداوند را به گوش قبول نمی‌شوند همچون ادراکات حیوانات همه در حیطه‌ی خوردن و نوشیدن و خواهش‌های حیوانی محدود می‌باشد این احوال آنهایی است که دل، گوش و چشم و تمام قوای خداداد را جهت به دست آوردن لذات دنیوی و خواهش‌های مادی وقف کرده‌اند و به اکتساب کمالات انسانی و خصال ملکوتی سر و کاری ندارند وضعیت آنها از چهارپایان فروتر است حیوان به صدای مالک خود پیش می‌آید اما اینها به صدای مالک حقیقی خود قطعاً گوش نمی‌دهند همچنین حیوانات از قوای غریزی خود کار می‌گیرند که خداوند برای آنها مقرر فرموده است و بیشتر از آن استعداد ندارند اما این انسان‌ها استعدادهای فطری را که خداوند برای ترقیات روحانی و عرفانی خلق کرده است از غفلت خود در راه انحراف، استعدادها را ضایع کرده‌اند.

33- صفات کسانی که لعنت کرده شده‌اند

﴿وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٢٥﴾ [الرعد: 25].

«و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، برایشان لعنت است و بدفرجامی آن سرای ایشان است».

لعنت‌شدگان

1. عهدی را که با خداوند بسته‌اند فراموش می‌کنند و در سختی‌ها تحمل و صبر را پیشه نمی‌گیرند و عهد خدا را می‌شکنند و یا به جهت انعام دنیوی عهد خود را به فراموشی می‌سپارند.
2. آنچه را که خداوند به پیوند آن امر فرموده است قطع می‌کنند «صله رحم، عبادت، انفاق، زکات، ایثار، جهاد و ...».
3. و در زمین فتنه و فساد را شعله‌ور می‌سازند و از ظلم و ستم باز نمی‌ایستند. پس از رحمت خداوند دور هستند و بدترین مقام جایشان است.

34- صفات زیانمندترین مردم

﴿قُلۡ هَلۡ نُنَبِّئُكُم بِٱلۡأَخۡسَرِينَ أَعۡمَٰلًا ١٠٣ ٱلَّذِينَ ضَلَّ سَعۡيُهُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ يَحۡسَبُونَ أَنَّهُمۡ يُحۡسِنُونَ صُنۡعًا ١٠٤ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ وَلِقَآئِهِۦ فَحَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ فَلَا نُقِيمُ لَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَزۡنٗا ١٠٥ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُمۡ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُواْ وَٱتَّخَذُوٓاْ ءَايَٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ١٠٦﴾ [الکهف:103-106].

«بگو : «آیا شما را زیانکارترین مردم آگاه گردانیم؟» [آنان] کسانی‌اند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند. [آری،] آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد. این جهنم سزای آنان است، چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند».

زیانمندترین مردم

1. تمام کوششان برای دنیا بود و یادی از آخرت نمی‌کردند و ترقیات و کامیابی‌های مادی دنیا را معراج بزرگ می‌پنداشتند و در فکر و اندیشه خود آن را نیکوترین عمل می‌پنداشتند.
2. آیات و نشانه‌های پروردگار خود را به سبب نفع دنیوی به فراموشی می‌سپردند و با این که علم یقین به آن داشتند جهت منافع مادی حقایق را می‌پوشاندند.
3. پس حسناتی هم که داشته‌اند ضایع و بی‌اعتبار است و برای زندگی ابدیشان هیچ به کار نمی‌آید.
4. جایگاهشان دوزخ است چرا که به غیر مال‌پرستی، پیامبران و نشانه‌های آیات الهی را به مسخره می‌گرفتند.

35- صفات مسرفین «اسراف‌کنندگان ـ از حد گذرندگان»

﴿ٱلۡمُسۡرِفِينَ ١٥١ ٱلَّذِينَ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ١٥٢﴾ [الشعراء:152].

«افراط گران: آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند».

مسرفین

1. در زمین فساد و خرابی برپا می‌کنند و هیچ‌گاه در فکر اصلاح امور زندگی مادی و معنوی خود و دیگران نیستند.
2. این آیت تنبیهی است به مسلمین که آگاه باشید اینها به ظاهر خود را مصلح می‌خوانند در واقع مفسدان زمین‌اند گرگان در لباس میش همچنان در سوره بقره آیه 11-12 آنان را مفسد می‌خواند.

36- صفات نزدیکان شیطان

﴿هَلۡ أُنَبِّئُكُمۡ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ ٱلشَّيَٰطِينُ ٢٢١ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٖ ٢٢٢ يُلۡقُونَ ٱلسَّمۡعَ وَأَكۡثَرُهُمۡ كَٰذِبُونَ ٢٢٣﴾ [الشعراء: 221-223].

«آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند؟ بر هر دروغ‌زن گناهکاری فرود می‌آیند. که [دزدانه] گوش فرامی‌دارند و بیشترشان دروغگویند».

1. شیاطین بر دروغگویان اشرار و بدکاران نازل می‌شوند زیرا آنها موافق خواهش‌های آنها رفتار می‌کنند.
2. آنها به سوی شیاطین گوش فرامی‌دهند سخن آنها را شنیده و بازگو می‌کنند و سخن راست و حق را به پشت گوش می‌اندازند و سخن زشت و پلید را با دروغ کامل نقل می‌کنند.

خاسرون

37- صفات «زیانکاران»

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ ٤ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ٥﴾ [النمل: 4-5].

«کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود، و در آخرت، خود زیانکارترین [مردم‌]اند».

خاسرون

1. به آخرت ایمان ندارند و در دنیای فانی غرق هستند و تمام سعی‌شان محض برای دنیاست و در سرانجام کار خود نمی‌اندیشند و خداوند اعمالشان را برایشان زیبا جلوه داده به طوری که فکر می‌کنند که مصلح‌ترین مردمانند و حیران و سرگردان از این وادی به وادی دیگر برای کسب مال بیشتر می‌دوند تا به انتها برسند و در آخر برایشان دوزخ است به راستی زیانکارانند که حقیقت عمر را از دست دادند و نتوانستد جوهر وجودی جسم و روحشان را صیقل دهند.

صفات خاسرون

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٥٢﴾ [العنکبوت: 52].

«و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده‌اند همان زیانکارانند».

خاسرون

1. سخن باطل و دروغ را که بطلانش آشکار است می‌پذیرند و سخن راست را که در نهایت صداقت و روشنی است منکر می‌شوند.
2. حقیقت توحید و یکتاپرستی را می‌دانند اما بنابر منفعت دنیوی آن را می‌پوشانند و به باطل ایمان می‌آورند.

صفات خاسرون

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٦٣ قُلۡ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ ٦٤ وَلَقَدۡ أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٦٥﴾ [الزمر: 63-65].

«و کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کردند، آنانند که زیانکارانند، و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است: «اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماًَ از زیانکاران خواهی شد».

خاسرون

1. به نشانه‌ها و پروردگار خود ایمان ندارند چه حماقت و جهالتی بزرگتر از این که انسان خدا را فراموش کند و به باطل «عوامل دنیوی» بپردازد.
2. جمیع اعمال مشرک در آخرت باطل و نابودشدنی است و سرانجام شرک غیر از حرمان و خسران چیزی نیست «از نقطه نظر عقل و دانش آفریدن فقط در تصرف الله تعالی است و بس پس به جز الله دیگری مستحق عبادت نیست».

صفات خاسرون

﴿ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ فَأَنسَىٰهُمۡ ذِكۡرَ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱلشَّيۡطَٰنِ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ١٩﴾ [المجادلة: 19].

«شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است؛ آنان حزب شیطانند آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند».

خاسرون

1. شیطان بر تمام وجودشان تسلط پیدا کرده است و آنچنان آنها را مشغول امور دنیا گردانیده است که خداوند و روز رستاخیز را فراموش کرده‌اند به راستی اینها خود گروه شیطانند و همانا زیانکاران دنیا و آخرتند نه در دنیا کامیاب خواهند شد و نه در آخرت راه نجات دارند. «گویند مردی مفسد شیطان را در خواب دید که بر کتفش زنجیرهای فراوانی از احشام ریز و متوسط و درشت و ... وجود داشت. نزدیک شد و از شیطان پرسید این زنجیرها برای چیست؟ شیطان گفت: برای اینکه بندگان خدا را اسیر کنم و به دنبال خود بکشم. مرد گفت: پس چرا اندازه آنها فرق می‌کند شیطان گفت: زنجیر ضعیف متعلق به بنده ضعیف نفس است تا بخوانمش به دنبالم می‌آید. اما بعضی از بندگان اراده و ایمان قوی دارند باید با زنجیر محکم‌تر آنها را آنقدر وسوسه کرد تا از راه به در شوند. مثلاً این زنجیر محکم متعلق به فلان عابد است اما باز هم هر کار می‌کنم از خداپرستی و راه است منحرف نمی‌شود. مرد پرسید پس زنجیر من کدام است. شیطان گفت: تو زنجیر نمی‌خواهی تو خودت همواره به دنبال من هستی و با رفتارهای زشت و دعوت کردن به فساد به ما نیز کمک می‌کنی! پس ایشانند گروه شیطان و زیانکاران».

صفات خاسرون

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُلۡهِكُمۡ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٩﴾ [المنافقون: 9].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [زنهار] اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نگرداند، و هر کس چنین کند، آنان خود از زیانکارانند».

خاسرون

1. باقی را ترک می‌کنند و مشغول فانی می‌شوند.
2. اعلی را گذاشته و متوجه ادنی می‌شوند.
3. مال و اولاد از نعمات خداوند به انسان‌هاست اما مواظب باشید آنقدر به آنها مشغول نشوید که از یاد خدا غافل شوید و آخرت خود را بر باد دهید پس در آن صورت از زیانکاران خواهید بود که عمر خود را در راه عوامل دنیوی صرف کرده‌اید و این خاسرون کامل است.

38- صفات مشرکان

﴿وَوَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ ٦ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ كَٰفِرُونَ ٧﴾ [فصلت: 6-7].

«و وای بر مشرکان. همان کسانی که زکات نمی‌دهند و آنان که به آخرت ناباورند».

1. صدقه و زکات را بر محتاج و مسکین خرج نمی‌کنند.
2. از خود غافلند چرا که تصدیق نمی‌کنند که بعد از مدت زندگانی جاوید است و محاسبه اعمال نیک و بد را به عمل نخواهند آورد.

39- صفات خراصون «حدس‌زدگان ـ کسانی که از روی یقین سخن نمی‌گویند به جز حدس و گمان»

﴿قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ ١٠ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي غَمۡرَةٖ سَاهُونَ ١١ يَسۡ‍َٔلُونَ أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلدِّينِ ١٢﴾ [الذاریات: 10-12].

«مرگ بر دروغ‌پردازان! همانان که در ورطۀ نادانی بی‌خبرند. پرسند: «روز پاداش کی است؟»».

خراصون

1. قطعیات و یقینیات را رد می‌کنند و در سخن دین از تخمین و حدس و گمان کار می‌گیرند.
2. غرق نادانی هستند و از خدا و آخرت غافل‌اند به علت غوطه‌ور شدن در لذات دنیایی.
3. از روی انکار می‌پرسند روز مجازات چه وقت فرامی‌رسد؟ چرا این قدر دیر می‌آیی؟ اگر راست می‌گوید پس چرا روز انصاف نمی‌آید؟

40- صفات مکذبین

﴿فَوَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي خَوۡضٖ يَلۡعَبُونَ ١٢﴾ [الطور:11-12].

«پس وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز. آنان که به یاوه سرگرمند».

مکذبین

1. سرگرم بازی و خنده هستند و با سخنان بیهوده آخرت و مکافات را دروغ می‌پندارند پس در آن روز ایشان به خرابی و تباهی سخت خواهند رسید.

صفات مکذبین

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ ١٠ ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ ١١﴾ [المطففین: 10-11].

«وای بر تکذیب‌کنندگان در آن هنگام: آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند».

مکذبین

1. منکر روز جزا و در حقیقت منکر ربوبیت الهی هستند پس جزای اعمالشان را خواهند دید.

41- صفات مختال فخور «متکبر فخرکننده»

﴿وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ٢٣ ٱلَّذِينَ يَبۡخَلُونَ وَيَأۡمُرُونَ ٱلنَّاسَ بِٱلۡبُخۡلِۗ﴾ [الحدید: 23-24].

«و خدا هیچ فخرفروشی را دوست ندارد: همانان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی‌دارند».

مختال فخور

1. عادت اکثر دولتمندان متکبر این است که بسیار لاف و گزاف می‌زنند و چون نام انفاق، زکات، صدقات و ... به میان می‌آید پولی از آنها وصول نمی‌شود. توفیق رفیقشان نمی‌شود که در کار نیک شرکت کنند و دیگران را نیز به قول و فعل خود دعوت می‌کنند مناع‌الخیر هستند. نمی‌دانند اگر خرج کنند فایده خواهند دید و اگر شانه خالی کنند مورد خسران و زیان واقع خواهند شد.

42- صفات اذلین «ذلیل‌ترین مردم»

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡأَذَلِّينَ ٢٠﴾ [المجادلة: 20].

«در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی‌خیزند، آنان در [زمرۀ] زبونان خواهند بود».

ذلیل‌ترین مردمان

1. عهدی را که با خداوند و رسولش بسته‌اند به فراموشی می‌سپارند و خلاف آن عمل می‌نمایند و در واقع با خدا و رسول به مقابله می‌ایستند و سرانجامشان ناکامی است.

43- صفات مطففین

﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ ١ ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسۡتَوۡفُونَ ٢ وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ ٣﴾ [المطففین: 1-3].

«وای بر کم‌فروشان، که چون بر مردم پیمانه ستانند، تمام ستانند؛ و چون برای آنان پیمانه یا وزن کنند؛ به ایشان کم دهند».

کم‌کنندگان

1. آنان که چون از مردم چیزی را می‌خرند پر و کامل می‌خرند و چون به مردم می‌فروشند کم می‌دهند اینها اشخاصی هستند که ایمان به آخرت ندارند و به همین جهت برای مال بیشتر برای دنیای فانیشان دست به چنین اقدامی می‌زنند.
2. ذکر پیمانه و وزن معلوم می‌دارد که هم به پیمانه و هم به وزن کم می‌دهند.

44- صفات بدترین خلق

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ شَرُّ ٱلۡبَرِيَّةِ ٦﴾ [البینة: 6].

«کسانی که اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند [و] در آن همواره می‌مانند؛ اینانند که بدترین آفریدگانند».

بدترین خلق

1. اهل کتاب که مدعی علم و دانش بودند اولین کسانی بودند که کافر شدند و حقانیت پیامبری محمد ج را که در تورات و انجیل به صراحت بیان شده است، انکار کردند آنها از روی غرور و تکبر حقانیت اسلام را پوشانیدند چرا که منتظر ظهور پیامبری بودند که از آنها باشد نه از عرب.
2. مشرکان جاهل هم نیز برای از دست ندادن مقام و ثروتشان حقانیت اسلام را پوشانند و با آن به مبارزه پرداختند و هرگز به رستگاری نرسیدند.

45- صفات نمازگزاران ریاکار (ویل اللمصلین)

﴿فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ ٤ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ ٥ ٱلَّذِينَ هُمۡ يُرَآءُونَ ٦ وَيَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ ٧﴾ [الماعون: 4-7].

«پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند؛ آنان که ریا می‌‌کنند، و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می‌ورزند».

نمازگزاران ریاکار

1. نماز را گاهی برپا می‌دارند و گاهی نمی‌خوانند.
2. نماز را رای مشاغل دنیوی به تعویق می‌اندازند.
3. وقتی هم که نماز را می‌خوانند چنان به شتاب می‌خوانند که گویی مرغی بر زمین منقار می‌زند.
4. در نمازشان آگاه نیستند که در برابر چه کسی ایستاده‌اند و چه چیزی را بیان می‌کنند.
5. و نماز را برای ریا و به دست آوردن مقام و منزلت اجتماعی می‌خوانند که در بین مردم مورد احترام و امین گیرند و از خالقشان صرف‌نظر می‌کنند و مقصدشان خشنودی خلق است.
6. آنان که نماز را برای ریا می‌خوانند قلبشان بیدار نشده است که برای مستضعفی بتپد و از مال خود انفاق و صدقه و زکات و ... را به آنها بدهند و حقی را برای سائل و محروم در نظر نمی‌گیرند [حق السائل و المحروم].
7. آنها از دادن اشیای کارآمد معمولی به دیگران بخل و امساک می‌کنند حال چگونه می‌توانند زکات و صدقات را بدهند.

خلاصه‌ی کلام

بار خدایا مرا هدایت کن با کسانی که تو هدایت کرده‌ای.

مرا سلامتی عطا بفرما با کسانی که تو سلامتی آنها را عطا فرموده‌ای.

مرا سرپرستی کن با کسانی که تو سرپرستی آنها را بر عهده گرفته‌ای.

ای خداوندی که لطف‌هایت بر بندگان مخفی است نجات بده و عافیت بده و محفوظ‌مان کن از چیزهایی که در دنیا و آخرت از آن می‌ترسیم.

ای خداوندا ظالمان را با ظالمان دفع کن و مسلمین را در بین آنها محفوظ و سلامت نگه‌دار.

بار خدایا امور زندگانیمان را خود به عهده گیر و ما را با (1) نفس اماره (2) شیطان وسوسه‌کننده (3) جامعه و اطرافیان فاسد وسوسه‌انگیز تنها مگذار.

بار خدایا رفتار را با اطرافیان «همچون پدر ـ مادر ـ برادر ـ خواهر ـ همسر ـ فرزند ـ همسایه ـ برادران و خواهران دینی و شاگردانمان» به ما بیاموز.

و آخر دعوانا:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨﴾ [آل عمران: 8].

«[می‌گویند:] پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری».

**تمت: پنج‌شنبه 24 اسفند 1383**

فهرست منابع

1. قرآن مجید.
2. شیخ‌الهند مولینا شبیر احمد، دیوبندی، (1362)، تفسیر کابلی
1. - برای انجام دادن درست هر کاری ابتدا باید شناخت در ذهن ایجاد شود چون شناخت ایجاد شود تبدیل به ایمان قلبی می‌گردد و در نهایت چون ایمان حاصل شد عمل با عقیده درست انجام می‌پذیرد. مثال : آتش می‌سوزاند شناخت و شخصی اعتقاد و ایمان دارد که اگر به آن نزدیک شود خواهد سوخت ایمان و در نهایت هیچ‌گاه به آن نزدیک نخواهد شد عمل. به همین جهت است که خداوند انسان را به مبارزه شناختی (عقلی) دعوت می‌کند افلا تبصرون ـ افلا تعقلون یا اولوالابصار ـ یا اولوالالباب. [↑](#footnote-ref-1)
2. - بحث تفسیری این واقعه که مربوط به جنگ احد می‌باشد به تفسیر کابلی، جلد اول، صفحه 424 مراجعه فرمایید «که در آن مسلمانان با وجود زخمی شدن در جنگ باز هم یکپارچه شده و به تعقیب سپاه مشرکان پرداختند که فکر حمله به مدینه را از خود دور کند و بدانند که مسلمانان در هر حال آماده دفاع هستند». [↑](#footnote-ref-2)
3. - اصل خشوع از قلب است و خشوع اعضای بدن تابع آن است وقتی که در نماز قلب خاشع و خائف و ساکن و پست شود خیالات در اطراف مختلف منتشر نمی‌شود. بلکه به یک مقصود تمرکز می‌یابد. سپس آثار خوف و هیبت و سکون و خضوع در اعضای بدن هم ظاهر می‌شود. [↑](#footnote-ref-3)
4. - نماز بزرگترین ذکر است بنا بر آن حضرت محمد ج فرموده اگر کسی ایستاده نمی‌تواند نماز بخواند نشسته بخواند و اگر نشسته نمی‌تواند دراز کشیده بخواند. [↑](#footnote-ref-4)